

الف) جغرافیا و پراکندگی منابع آب در منطقه

رودهای آمودریا و سیر دریا منبع اصلی تأمین کننده آب مورد نیاز منطقه آسیای مرکزی به شمار می روند. آمودریا از کوههای هندوکش واقع در تاجیکستان و از به هم پیوستن رودخانه های «پنج» و «وخش» به وجود می آید و ۲۶۶۰ کیلومتر طول دارد که حدود ۱۴۰۰ کیلومتر آن در داخل ازبکستان جریان دارد. مسیر جریان آن از تاجیکستان، ازبکستان (در مرز مشترک با افغانستان)، ترکمنستان و آرال در ازبکستان می باشد. میانگین سالانه آب این رودخانه حدود ۷۸/۵ کیلومتر مکعب است. (از ۴۶/۹ تا ۱۰۸/۴ کیلومتر مکعب در نوسان می باشد). به علت دارا بودن گل و لای، این رودخانه بیشترین آلودگی را در میان رودخانه های جهان دارد. سیر دریا از کوههای قرقیزستان سرچشمه می گیرد و دارای دو شاخه اصلی به نام نارین و قره دریا است. این دور در شرق ازبکستان با هم تلاقی و سیر دریا را تشکیل می دهند. بخشی از آن وارد تاجیکستان شده و نهایتاً جریان اصلی آن پس از عبور از قزاقستان به شمال آرال می ریزد. طول این رودخانه حدود ۲۲۰۰ کیلومتر است. میانگین آب سالانه آن ۳۷/۲ کیلومتر مکعب است. (از ۲۱/۴ تا ۵۴/۱ کیلومتر مکعب در نوسان است).

آمودریا و سیر دریا در مجموع ۹۰ درصد آب قابل استفاده در دریای آرال را تأمین می کنند که به طور میانگین سالانه به ۱۱۵ کیلومتر مکعب می رسد. ۱۰ درصد باقیمانده از رودخانه ها و سرچشمه های کوچک تأمین می شود. نزدیک به ۶۰ درصد از مجموع ظرفیت ذخیره حوزه آمودریا و ۹ درصد از مجموع ظرفیت ذخیره حوزه سیر

دریا را کنترل تاجیکستان است و قرقیزستان ۵۸ درصد از ظرفیت ذخیره حوزه سیر دریا در کنترل خود دارد.

تاجیکستان مرکز اصلی تولید و جریان آب است و سرچشمه بیش از ۵۵ درصد از کل جریانهای اصلی شکل گرفته در منطقه از داخل خاک این جمهوری می‌باشد. بیش از ۲۵/۳ درصد نیز در خاک قرقیزستان شکل می‌گیرد. بدین ترتیب، دو کشور بیش از ۸۰ درصد از کل آب مورد استفاده در منطقه آسیای مرکزی را تأمین می‌کنند. حجم سالانه آب قرقیزستان در مجموع ۵۱ میلیارد متر مکعب در سال می‌باشد که تنها ۲۰ درصد را خودش استفاده کرده و بقیه را سه همسایه دیگر استفاده می‌کنند. یخچالهای قرقیزستان ۶۵۰ میلیارد متر مکعب آب در خود ذخیره کرده‌اند. اکثر تأسیسات هیدرولیکی و مخازن آب با مجموع ۲۲/۹ کیلومتر مکعب آب در کشور قرقیزستان ساخته شده است که مورد مصرف آن کشور فقط ۷ درصد آن می‌باشد.

ازبکستان در این میان با توجه به میزان وابستگی به جریانهای آب سطحی ورودی از آن سوی مرزها، نسبت به سایر کشورهای همجوار آسیب‌پذیرتر است. دو رود سیر دریا و آمودریا (مهمترین رودخانه‌هایی که در داخل ازبکستان در امور کشاورزی و صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرند) در خارج از این کشور شکل می‌گیرند. از مجموع ۹۹/۵ کیلومتر مکعب آب (حجم سالانه منابع آبی کشور) ۱۲/۲ کیلومتر مکعب در خاک این کشور و مابقی آن یعنی ۸۷/۳ کیلومتر مکعب آن از کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان وارد این کشور می‌شوند.

ب) تأثیر پراکندگی منابع آب بر مسایل سیاسی - اقتصادی منطقه

در دوران شوروی مرزهای جمهوری‌های آسیای مرکزی طوری طراحی شده بودند که بین جمهوری‌ها برای دسترسی به آب رقابت وجود داشته باشد. چنین تعارضی به دو طریق به سود مسکو بود. جنگ آب تمایز ملی بین ۵ کشور را تقویت کرده، توانایی این کشورها را در خصوص همکاری‌های فی‌مابین به طوری که که کنترل شوروی را مورد تهدید قرار دهد، محدود می‌کرد. به‌طور مختصر، سیاست آب بخشی از تلاش مسکو برای تفرقه انداختن و حکومت کردن

بر منطقه بود. همچنین، رقابت بین این جمهوری‌ها برای کسب آب باعث می‌شد که جمهوری‌ها برای حل اختلافات بین خود به مسکو متوسل شوند. نظام شوروی سابق مجموعه پیچیده‌ای از سدها و سیستم‌های آبیاری را ایجاد کرده تا مقدار آب در رودخانه را کنترل کرده و سازمانهایی را نیز برای اختصاص آب بین جمهوری‌های مختلف به وجود آورد. پس از کسب استقلال، پنج جمهوری منطقه مجبورند با میراث باقی‌مانده از دوران قبل دست و پنجه نرم کنند. لذا کشورهای مواجه با کمبود آب به شدت به دنبال ایجاد چارچوبهای مناسب همکاری منطقه‌ای به منظور تضمین امکان استفاده از منابع آب منطقه در بلندمدت هستند و برعکس کشورهایی که دارای مازاد آب مصرفی هستند به دنبال حفظ منافع خود در قالب نگاه به موضوع آب به عنوان یک سرمایه ملی و دریافت مابه‌ازای آن می‌باشند. قرقیزستان با اذعان به بهره‌برداری مشترک از منابع آبی موجود در سطح منطقه معتقد است که هرگونه استفاده از منابع آبی این کشور توسط همسایگان می‌بایستی مبتنی بر قوانین بین‌المللی باشد و در غیر این صورت آن را ناقض حاکمیت ملی خود می‌داند. پارلمان این جمهوری طی بیانیه‌ای از مجالس سه کشور ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان درخواست نموده بود که شرایط سنگین حاکم بر اقتصاد آن کشور را درک نموده و استفاده از آب را برخلاف گذشته طبق سوددهی دوطرفه انجام دهند. پارلمان قرقیزستان همچنین پیگیری موارد ذیل را به دولت این کشور واگذار کرده بود:

۱. با استفاده از تجارب بین‌المللی به ساخت، تعمیر و نگهداری از تأسیسات آبی کشور همت‌گمارد تا بتوان آبهای مورد نیاز همسایگان را به آنان صادر نمود.
۲. براساس مقررات موجود تمامی آبهای داخل قرقیزستان آبهای ملی محسوب می‌شود و استفاده از آنها صرفاً بر مبنای قراردادهایی که حاوی منافع متقابل باشد، امکان‌پذیر است.
۳. توافق وزرای مربوطه در آلمانی در ۱۸ فوریه ۱۹۹۲ دال بر فرادولتی دانستن آبهای قرقیزستان اشتباه است.

۴. کامل کردن استراتژی آب جمهوری قرقیزستان و تدوین کنوانسیون استفاده مشترک و نگهداری منابع آبی آن کشور با شرکت نمایندگان کشورهای همسایه براساس منافع متقابل با

استفاده از تجارب بین‌المللی.

۵. مذاکره با ازبکستان به منظور الزام این کشور به انجام تعهدات خود در ساخت ساحل چپ کانال کامپیر روات و مخزن آبی «سوخ» و جبران خسارات وارده به منطقه سیلزده ۴۳ هزار هکتاری پایین مخازن آبی.

همزمان با این‌گونه‌کش و قوس‌ها رادیو آزادی نیز از تدوین قانونی در پارلمان قرقیزستان مبتنی بر مطالبه پول از همسایگان در ازای آب ارسالی از این کشور برای همسایگان و انتقاد آقای نظربایف رئیس‌جمهور قزاقستان از این قانون خبر داده بود. به‌گفته این رادیو نظربایف تصویب چنین قانونی را برخلاف قوانین بین‌المللی و حق بهره‌برداری رایگان از منابع طبیعی عنوان نموده است. رادیو بی‌بی‌سی نیز در تاریخ ۳ جولای ۲۰۰۳ اعلام نمود که بعد از مذاکرات نمایندگان دول قزاقستان، تاجیکستان و ازبکستان قرار شد که بخشی از منابع آبی موجود در مخزن آب قره‌قوم تاجیکستان جهت آبیاری مزارع پنبه دو کشور دیگر اختصاص یابد. متخصصین منابع آب تاجیکستان می‌گویند که میزان آب سد قره‌قوم به میزان آب سد تاکتاگل قرقیزستان بستگی دارد. در این مذاکرات طرف ازبکی اظهار داشت که طرف تاجیکی نگران این موضوع نباشد، چرا که ازبکستان و قرقیزستان در این خصوص با یکدیگر به توافق رسیده‌اند که آب سد تاکتاگل به‌طور منظم به مخزن آب قره‌قوم تاجیکستان داده شود.

در تاریخ ۲۱ جولای ۲۰۰۱ با نشست مسئولین پنج کشور قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، تاجیکستان و روسیه در شهر چولپان آتای قرقیزستان، توافقاتی بین آنان در خصوص نحوه توزیع نیروی برق و آب و بده‌بستانهای متقابل در این رابطه بین آنان صورت گرفت. نکته اساسی این نشست حضور نماینده‌ای از کشور روسیه بود که نشان می‌داد که حضور روسیه در اینگونه گفتگوها بین کشورهای منطقه به منظور حل و فصل اختلافات همچنان ضروری به نظر می‌رسد. از جمله توافقات این نشست این بود که آب سد قره‌قوم تاجیکستان برای آبیاری مزارع ازبکستان و قزاقستان مورد بهره‌برداری قرار گرفته و متقابلاً آب کانال فرغانه ازبکستان نیز (که جریان آن به سمت تاجیکستان به بهانه‌های مختلف توسط ازبکستان قطع می‌شده است)، به

سمت مزارع تاجیکستان جریان یابد. استفاده مشترک از منابع آب سد قره‌قوم به توافق امضا شده در زمان شوروی سابق برمی‌گردد که بعد از استقلال جمهوری‌ها نیز مجدداً مورد تأیید و امضا قرار گرفته است. براساس این توافقات حدود ۸۰ درصد از ذخیره آب سد قره‌قوم به ازبکستان و قزاقستان اختصاص می‌یابد. تمایل قرقیزستان به استفاده بیشتر از آب سد تا کتاگل جهت تولید برق به‌ویژه در فصل سرما ریشه یکی از مهمترین مشکلات در توزیع آب در منطقه است. این موضوع باعث کاهش ذخیره آب در پشت این سد در فصل کشاورزی شده و به‌ویژه قزاقستان را شدیداً دچار مشکل می‌کند. قرقیزستان در سال ۲۰۰۱ یکی از شروط خود را جهت انجام یک توافق سه‌جانبه در خصوص آب، تسویه بدهی ۲۰ میلیون دلاری قزاقستان به قرقیزستان منوط کرده بود. این میزان بدهی ناشی از صدور سالیانه ۱/۱ میلیارد کیلووات ساعت برق به قزاقستان از قرقیزستان اعلام گردیده بود.

قرقیزستان معتقد است که به‌رغم سنگینی هزینه‌های حفظ و نگهداری سدها بر دوش این کشور و زیر آب رفتن بخش وسیعی از سرزمینهای حاصلخیز پشت این سدها، سود اصلی ناشی از وجود این سدها متوجه ازبکستان و قزاقستان می‌شود و لازم است که دو کشور اخیرالذکر جبران بخشی از این ضررهای اقتصادی را عهده‌دار گردند. متقابلاً به اعتقاد ازبکستان و قزاقستان سدها و تأسیسات ذخیره‌سازی آب واقع در قرقیزستان در زمان شوروی ساق و با هزینه این دولت ساخته شده است و نباید منافع فراوان حاصله از تولید نیروی برق آن به جیب قرقیزستان رفته و آن دو از منافع ناشی از آزادسازی آب در تابستان محروم گردند. به اعتقاد ازبکستان کاهش خروجی آب توسط قرقیزستان تنها در سال ۱۹۹۶ باعث وارد شدن حدود ۷۰۰ میلیون دلار خسارت بر محصولات کشاورزی ازبکستان شده است.

مشکلات مشابهی نیز بین ازبکستان و قزاقستان و ترکمنستان وجود دارد و دو کشور اخیرالذکر، ازبکستان را متهم به جلوگیری از جریان آزادانه آب به قلمرو و سرزمینهای کشاورزی خود می‌نمایند و این اختلافات به بروز اقدامات و درگیری‌هایی میان طرفین در بعضی مقاطع منجر گردیده است. به‌طور نمونه در جولای سال ۱۹۹۷ کشاورزان قزاق در اعتراض به تصمیم

دولت ازبکستان برای قطع آب به زمینهایشان و تهدید ۱۰۰ هزار هکتار از مزارع گندم و پنبه خود، چندین تظاهرات به راه انداختند که این امر واکنش منفعلانه دولت ازبکستان و آزادی جریان آب را در پی داشت و یا این که کشاورزان ترکمن اقداماتی را در طول مرز با ازبکستان برای تخریب ایستگاههای پمپاژ و کانالهای آبیاری به منظور جبران کمبود آب انجام می دهند.

ج) ریشه یابی مشکلات موجود

در بروز اختلافات آبی بین کشورهای منطقه سه عامل (در سطح ملی و منطقه ای) مؤثر به نظر می رسد: موقعیت جغرافیایی منطقه، میراث باقیمانده از سیاست شوروی سابق، تعارض منافع ملی کشورهای منطقه با یکدیگر از بدو استقلال.

- تاجیکستان و قرقیزستان دارای بیشترین پتانسیل آب در منطقه با کمترین زمینهای کشاورزی هستند در حالی که قزاقستان و ازبکستان با بالاترین پتانسیل کشاورزی کمترین منابع آبی منطقه را در اختیار دارند.

- در حالی که قرقیزستان و تاجیکستان به دلیل نیاز به انرژی برق در فصل سرما مایل به رهاسازی آب پشت سدهای تاکتاگل و قره قوم در پاییز و زمستان هستند، قزاقستان و ازبکستان مایل هستند که این آبها در فصل بهار و تابستان (فصل کشاورزی) به منظور تأمین آب مزارع وسیع خود به ویژه مزارع پنبه به منطقه سرازیر گردد. نحوه توافق در این خصوص همواره یکی از موضوعات مهم مورد مذاکره سطوح مختلف مقامات مختلف این کشورها بوده است که کمتر به نتایج مطلوب و پایدار منجر گردیده است. چراکه طرفهای یاد شده به دلایل مختلف اقتصادی و سیاسی به تعهدات خود پایبندی نشان نداده اند. این اختلافات در زمان شوروی سابق با برنامه های تنظیمی مسکوک به عنوان برنامه ریز، حمایت کننده مالی و ضامن اجرای آن عمل می کرد، حل و فصل می شد ولی در حال حاضر نحوه بهره برداری از این منابع به یکی از کانونهای اصلی اختلافات سیاسی - اقتصادی منطقه بدل گردیده است. به رغم امضا سندی توسط نمایندگان کشورهای آسیای مرکزی در سال ۱۹۹۲ به منظور حل مسایل موجود در زمینه توزیع

آب و کاهش صدمات وارده از ناحیه کاهش میزان ورودی آب به دریاچه آرال که بر اشتراک مدیریت و حق مالکیت بر منابع آب تأکید داشت، اختلافات جمهوری‌ها همچنان تا به امروز تداوم یافته و ابعاد آن متنوع‌تر شده است.

- تبعات بد اقتصادی ناشی از فروپاشی شوروی و در نتیجه تشدید مشکلات مالی کشورهای آسیای مرکزی از جمله قرقیزستان و تاجیکستان، ناتوانی کشورهای مزبور را در تداوم برنامه‌های مطالعات آب، حفظ و نگهداری تأسیسات آبی و توسعه اینگونه تأسیسات (شامل سدها، کانالها، ایستگاههای مراقبت، اطلاع‌رسانی و...) در پی داشته است. این موضوع به‌ویژه در مورد تاجیکستان با سابقه ۵ سال جنگ داخلی و تبعات منفی اقتصادی آن بیشتر صدق می‌کند.

- تغییر کاربری زمین در منطقه آسیای مرکزی به‌ویژه اختصاص زمینهای بیشتری جهت کشت گندم (به جای پنبه) که به مصرف آن بیشتری نیازمند است.

- روند روبه‌تزايد رشد جمعیت در منطقه که لزوماً مصرف میزان بیشتری از آب را به دنبال دارد. این موضوع به‌ویژه در مقیاس زمانی ۱۵ الی ۲۰ سال آینده از موضوعیت بیشتری برخوردار خواهد شد.

- عدم پایبندی اعضا به سهمیه‌های تخصیص یافته براساس توافقات قبلی انجام شده و بهره‌برداری بیشتر از آب رودخانه‌های جاری نیز از دیگر عوامل مشکل‌آفرین تلقی می‌گردد.

- در حالی که تا دهه ۱۹۶۰ کمتر از ۵۰ درصد منابع در دسترس آب در آسیای مرکزی مورد استفاده قرار می‌گرفت، اجرای برخی پروژه‌های آبیاری همچون قره‌قوم باعث افزایش میزان استفاده از آب به میزان نزدیک به دو برابر در دهه ۱۹۸۰ رسید. (از حدود ۶۴ کیلومتر مکعب در ۱۹۶۰ به بیش از ۱۲۰ کیلومتر مکعب در سال ۱۹۸۰). این امر به معنی آن است که میزان ورودی آب از طریق رودخانه‌های منطقه به دریاچه آرال به نصف کاهش یافته است. به نقل از برخی منابع در اثر خشک شدن تدریجی دریاچه آرال سالیانه ۷۵ تن نمک و ماسه در اطراف دریاچه پراکنده می‌شود و انواع نمک‌ها، سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی موجود در آن که از زمینهای کشاورزی منطقه وارد آن شده‌اند، به‌وسیله باد در منطقه پراکنده شده و

انواع بیماری‌ها و مشکلات زیست‌محیطی را با خود به ارمغان می‌آورد. این نگرانی‌ها باعث شده که برخی از سازمانهای علاقمند و مرتبط به مسایل زیست‌محیطی از عقب‌نشینی بیش از حد آب آمودریا و دیگر رودخانه‌های مهم آسیای درکزی به عنوان یکی از بدترین مصیبت‌های قرن بیستم یاد نمایند.

د) راه‌حلهای مطرح جهت حل بحران موجود

به منظور حل مشکلات در خصوص آب در منطقه دو دسته راه حل مطرح می‌شود: دسته اول مبتنی بر نحوه استفاده از منابع موجود و حصول توافقات پایدار در خصوص تقسیم، سهمیه‌بندی و بهره‌برداری مشترک از منابع آب می‌باشد. دسته دوم با تأکید بر کمبود منابع تأمین آب منطقه و ناشی دانستن مشکلات موجود از آن، به تأمین منابع جدید آب در منطقه توجه دارد. راه‌حلهای دسته اول شدیداً از ناحیه ملاحظات سیاسی کشورهای منطقه متأثر است. در حالی که کشورهای قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان به دلیل وابستگی به منابع آب وارده از تاجیکستان و قرقیزستان مایل به بهره‌برداری بی‌قید و شرط و رایگان از منابع آب هستند، دو کشور قرقیزستان و تاجیکستان به دلیل حس مالکیت، در اولویت قرار دادن تأمین منافع خود از محل منابع موجود آب و پس از آن توجه به منافع و نیازهای دیگران و نیز هزینه بر دانستن حفظ تأسیسات آبی موجود در کشورهای خود که به عنوان مخازن ذخایر آب منطقه عمل می‌کنند، حاضر به پذیرش مطالبات آنان نیستند. لذا، موضوع تشکیل کنسرسیوم که بیشتر مفهوم مشارکت در مالکیت منابع آب را می‌دهد، توسط قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان مطرح می‌گردد که این طرح نیز با عکس‌العمل منفی و عدم پذیرش مقامات دو جمهوری تاجیکستان و قرقیزستان روبرو شده است.

روش مورد نظر کشورهای دارنده منابع آب از جمله قرقیزستان، استفاده سایرین از آب به ازای دریافت امتیازات دیگری نظیر گاز، ذغال سنگ و امتیازات دیگر و یا مشارکت مالی آنان در

هزینه‌های حفظ و نگهداری تأسیسات و جبران خسارات اقتصادی وارده ناشی از کاهش منابع آب برای تولید برق مورد نیاز و نیز غرق شدن میزان زیادی از زمینهای کشاورزی آنان در اثر ذخیره آب است. علاوه بر آن تمایل دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان به استفاده از منابع آب به عنوان ابزار تأمین منافع سیاسی - امنیتی و یا اقتصادی خود نیز مزید بر علت می‌شود.

راه‌حلهای دسته دوم معتقد است که مشکلات موجود، ناشی از کافی نبودن منابع تأمین کننده آب منطقه است. لذا تا زمانی که منابع جدیدی در منطقه که بتواند جبران‌کننده این کاستی‌ها باشد، جستجو نگردد، راه‌حلهای دسته اول نمی‌تواند پایدار باشد. بر مبنای این دیدگاه با یافتن منابع جدید آب، هم مشکلات کشاورزی و هم مشکلات زیست‌محیطی ناشی از کاهش آب رودخانه‌های آبریز به دریاچه آرال حل و فصل خواهد شد. انتقال مقادیری آب از منطقه سیبری روسیه به منطقه آسیای مرکزی از طریق تأسیس یک کانال انتقالی، از جمله پیشنهاداتی است که تاکنون در برخی فواصل زمانی به‌ویژه در زمانهای خشکسالی در منطقه به عنوان یک راه حل جایگزین و مؤثر مطرح گردیده است. در مجموع می‌توان گفت:

- معضل کمبود آب در منطقه علاوه بر واقعتهای طبیعی، شدیداً تحت تأثیر ملاحظات سیاسی کشورهای منطقه و نیز وابستگی‌های اقتصادی آنان به یکدیگر قرار دارد.

- وابستگی‌های اقتصادی اعضا به یکدیگر و توقعات سیاسی متقابل موجود، امکان حل مشکل آب را به صورت موردی نمی‌دهد و حصول به یک توافق نسبتاً پایدار تنها در صورت وجود اراده سیاسی و از طریق انعقاد یک توافق همه‌جانبه اقتصادی در منطقه میسر است.

- وابستگی‌های اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی به یکدیگر از جمله وابستگی‌های قرقیزستان و تاجیکستان (دو جمهوری مهم دارنده منابع آب منطقه) به نیروها و انرژی‌های جایگزین موجود در قزاقستان و ازبکستان، امکان استفاده دلخواه از منابع آب را به قرقیزستان و تاجیکستان نمی‌دهد. بنابراین حتی در صورت سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی دو کشور در صنایع و تأسیسات هیدرولیکی خود، ناگزیرند منافع سایرین را نیز ملحوظ نمایند. با این حال این دو کشور در صورت تأمین منابع مالی در جهت کنترل این منابع و ایجاد تأسیسات هیدرولیکی،

قدرت مانور بیشتری در اخذ منافع و امتیازات متقابل از سایرین و در بلندمدت کنترل منابع حیاتی آنان خواهند داشت.

- به رغم توجه بیشتر محافل و مجامع بین‌المللی نسبت به بحران آب در منطقه آسیای مرکزی و برگزاری برخی سمینارها و ارائه بعضی پیشنهادات، به نظر می‌رسد که تحت تأثیر پیچیدگی‌های سیاسی و نیز جغرافیای طبیعی منطقه، در آینده‌ای نزدیک و یا حتی میان‌مدت نمی‌توان متوقع اقدامی جدی در خصوص اجرای طرح آبرسانی به این منطقه بود.

- فارغ از معضلات سیاسی-اقتصادی موجود، در یک نگرش اصولی، حل مشکل مدیریت آب در منطقه با تکیه بر مدیریت توزیع و استفاده از تکنیک‌های فنی، بر تأمین منابع جدید آب اولویت دارد که این امر از یک سو نیازمند وفاق مطلقه‌ای و پرهیز از گره زدن این موضوع به مسایل سیاسی و از سوی دیگر نیازمند دانش فنی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی است. به عبارت دیگر ایجاد سیستم مدیریت صحیح توزیع آب، عملی‌ترین و در عین حال سریع‌ترین راه حل به نظر می‌رسد.

- انتظار حل مشکل کم آبی منطقه آسیای مرکزی به وسیله روسیه از طریق ایجاد یک مسیر انتقالی از سیبری به منطقه، با معضلات اقتصادی، دیدگاه‌های سیاسی و گرایش‌های منطقه‌ای این کشور همخوانی ندارد، هرچند می‌توان گفت که روس‌های بی‌میل نیستند که از این طریق در پی اهرم‌سازی‌های جدید در منطقه به منظور کنترل بیشتر گرایش‌ها و اگراییانه و اقدامات محل منافع ملی خود باشند.

- بحران خشک شدن آرال ناشی و نتیجه سیستم نامناسب توزیع آب در منطقه، بهره‌برداری بیشتر از حوزه‌های آبریز این دریاچه و نتیجتاً کاهش ورودی آب به آرال و مآلاً بروز بحران اکولوژیک و زیست‌محیطی در مناطق حاشیه‌ای آن است که احتمال وسیع‌تر شدن دامنه جغرافیایی این عوارض نامطلوب در نتیجه توسعه دامنه خشکی این دریاچه می‌رود. چنانچه مشکل توزیع درست آب در منطقه حل شود، مشکل آرال نیز تا حد زیادی حل خواهد شد.

ناصر کنعانی

سفارت جمهوری اسلامی ایران - تاشکند